

جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام و الگوی مناسب آن

سیدحسین میرمعزی

مقدمه

بانک به شکل سنتی آن مولود نظام سرمایه‌داری^۱ است و در این نظام جایگاه تعریف شده‌ای دارد. اهداف و وظایف بانک‌ها متناسب با مبانی و اصول این نظام شکل گرفته و به عنوان جزئی از نظام، با دیگر اجزا همخوانی دارد.

گرچه مشخصه بارز بانک‌ها بهره است و اسلام بهره و ربا را حرام دانسته، لکن برای استفاده از بانک در نظام اقتصادی اسلام، حذف بهره به تنهایی کافی نیست، بلکه ابتدا باید جایگاه بانک را در نظام اقتصاد سرمایه‌داری بیابیم و روشن سازیم که بانک‌ها چه خلأیی را در این نظام پرکرده و چه اهدافی را تعقیب می‌کنند سپس به مطالعه نظام اقتصادی اسلام پرداخته و به دنبال این باشیم که اصولاً آیا خلأ مزبور در این نظام نیز وجود دارد؟ و اگر جواب مثبت است چگونه این خلأ پر می‌شود؟ و با توجه به جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام الگوی مناسب بانکداری چیست؟

جایگاه بانک در اقتصاد سرمایه‌داری

ساختار نظام سرمایه‌داری را می‌توان در الگوی چرخه درآمدی مشاهده کرد. شرکت کنندگان در این نظام به دو گروه دولت و مردم (خانوارها و بنگاه‌ها) تقسیم می‌شوند و مردم با یکدیگر و با دولت به وسیله بازارهای سه‌گانه زیر پیوند می‌خورند:

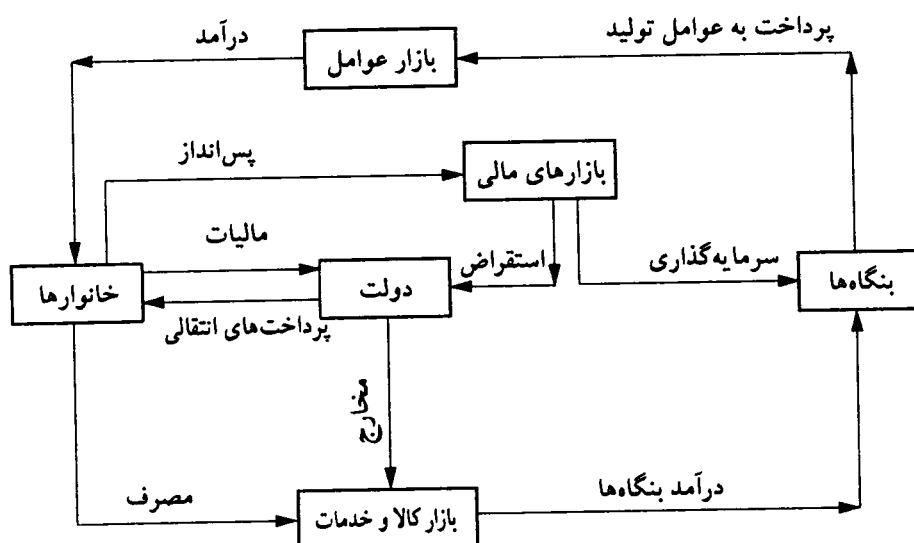
۱- بازار عوامل که در آن عوامل تولید (کار و سرمایه غیر نقدی) اجاره می‌شوند.

۲- بازارهای کالا و خدمات که در آن کالاها و خدمات خرید و فروش می‌شوند.

۳- بازارهای مالی که در آن دارایی‌های مالی خرید و فروش می‌شوند.

نمودار زیر چگونگی پیوند شرکت کنندگان در این نظام را نشان می‌دهد. با این فرض که اقتصاد بسته است و تجارت خارجی وجود ندارد.

نمودار شماره ۱: چرخه درآمدی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری



طبق نمودار، پس‌انداز خانوارها از طریق بازارهای مالی به کسانی منتقل می‌شود که برای سرمایه‌گذاری نیاز به پول دارند. دولت نیز به وسیله فروش اوراق قرضه می‌تواند از این پس‌اندازها استفاده کند. البته نمودار مزبور شکل ساده شده روابط را نشان می‌دهد؛ برای مثال، ممکن است بنگاه‌ها نیز بخشی از سود توزیع نشده خود را از طریق بازارهای مالی سرمایه‌گذاری کنند. به هر حال، بازارهای مالی وجوه را از کسانی که با مازاد روبه‌رو هستند به کسانی که به این وجوه نیاز دارند، منتقل می‌کنند.

بازار مالی

بازار مالی بازاری است که در آن دارایی‌های مالی خرید و فروش می‌شوند. «دارایی در معنای وسیع، هر مایملکی است که ارزش مبادله‌ای دارد و به دو نوع مشهود و نامشهود تقسیم می‌شود. دارایی مشهود دارایی‌ای است که ارزش آن بستگی به خصوصیات مادی آن دارد. مانند ساختمان، زمین، ماشین‌آلات و دارایی نامشهود، نماینده حق قانونی نسبت به منفعتی در آینده است.»^۲

دارایی‌های مالی در شمار دارایی‌های نامشهودند و خود به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱- دارایی‌های مالی که از حق ثابتی بر ذمه ناشر حکایت دارند و مستلزم پرداخت ثابتی هستند، مانند: وام، اوراق قرضه دولتی و غیر دولتی.

۲- دارایی‌های مالی که حاکی از مالکیت دارنده آن نسبت به دارایی مشهود بوده، و مستلزم پرداخت ثابتی از ناحیه ناشر نیستند، مانند: اوراق سهام شرکت‌ها.

واسطه‌های مالی

یکی از نهادهای مالی در این بازار واسطه‌های مالی هستند. واسطه‌های مالی از طریق نشر حق مالی و عرضه آن‌ها به پس‌انداز کنندگان، پول به دست می‌آورند و آن‌گاه این وجوه را به مصرف کنندگان یا بنگاه‌ها وام می‌دهند.

واسطه‌های مالی بر دو قسم‌اند: واسطه‌هایی که اکثر منابع مالی خود را از طریق پول‌هایی که پس‌انداز کنندگان سپرده‌گذاری می‌کنند به دست می‌آورند (واسطه‌های مالی سپرده‌پذیر) مانند بانک‌های تجاری، مؤسسات وام و پس‌انداز، بانک‌های پس‌انداز، اتحادیه‌ها (یا مؤسسات) اعتباری. نهادهای سپرده‌پذیر با وجوهی که از سپرده‌ها و دیگر منابع مالی به دست می‌آورند هم وام مستقیم به واحدهای اقتصادی می‌پردازند و هم در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌کنند. درآمد این نهادها نیز از طریق درآمد حاصل از وام‌هایی که می‌دهند و کارمزد اوراق بهاداری که می‌خرند به دست می‌آید.

بنابراین بانک‌های تجاری جزء واسطه‌های سپرده‌پذیر در بازار مالی هستند و از چهار طریق منابع مالی خود را تأمین می‌کنند:

۱- سپرده‌ها (دیداری، پس‌انداز، مدت دار)

۲- اخذ وام از بانک‌هایی که ذخیره مازاد دارند.

۳- اخذ وام از بانک مرکزی

۴- فروش اوراق قرضه در بازار مالی

بانک‌ها به سپرده‌ها و وام‌هایی که می‌گیرند بهره پرداخت می‌کنند؛ سپس این وجوه را در بازار اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کرده، از عایدات آن بهره‌مند می‌شوند و یا وام پرداخت کرده، بهره می‌گیرند. مابه‌التفاوت بهره دریافتی و بهره پرداختی، بخش عمده‌ای از درآمد بانک‌ها را تشکیل می‌دهد.

عملکرد سایر واسطه‌های مالی سپرده‌پذیر تا حدودی مشابه بانک‌های تجاری است. نوع دیگر واسطه‌های مالی، غیر سپرده‌پذیر هستند، مانند شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی. این مؤسسات وجوه خود را از طریق فروش سهام یا اخذ حق بیمه و امثال آن تأمین می‌کنند و این وجوه را برای خرید اوراق بهادار با درآمد ثابت و سهام صرف می‌نمایند.

نقش بانک‌ها

برای پی بردن به نقش و کارکرد بانک‌ها در نظام سرمایه‌داری، لازم است کارکرد دارایی‌های مالی، بازارهای مالی و واسطه‌های مالی را بررسی کنیم. برای دارایی‌های مالی دو کارکرد عمده ذکر کرده‌اند:

الف - انتقال وجوه از کسانی که پول اضافی دارند به کسانی که برای سرمایه‌گذاری در دارایی مشهود به پول نیازمندند.^۳

ب - انتقال یا توزیع خطر حاصل از دارایی‌های مشهود بین متقاضیان وجوه و دارندگان وجوه.^۴

برای بازارهای مالی نیز سه کارکرد مهم ذکر شده است:^۵

۱- فرایند قیمت‌یابی: در بازار مالی روابط متقابل خریدار و فروشنده، قیمت دارایی مبادله شده را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، این روابط بازده مورد انتظار دارایی مالی را معین می‌سازد.

۲- تأمین نقدینگی: بازارهای مالی مکانیسمی برای سرمایه‌گذار فراهم می‌کند تا دارایی مالی را بفروشد و وجه نقد دریافت کند. اگر این مکانیسم وجود نمی‌داشت، دارنده آن ناچار بود سند بدهی را تا زمان سررسید آن و سند سهامداری را تا زمانی که شرکت داوطلبانه یا به اجبار منحل شود، نگه دارد.

۳- کاهش هزینه معاملات: معاملات دو نوع هزینه دارند: هزینه جست‌وجو جهت یافتن دارایی مورد نظر، مانند هزینه صرف وقت و درج آگهی و هزینه اطلاعات در رابطه با برآورد ویژگی‌های سرمایه‌گذاری یک دارایی مالی، یعنی مقدار و احتمال وقوع جریان نقدینگی‌ای که از دارایی انتظار می‌رود. وجود بازار مالی سازمان یافته، هزینه‌های جست‌وجو و هزینه‌های اطلاعات را پایین می‌آورد؛ زیرا قیمت‌ها بازتابی از کل اطلاعات

گردآوری شده به وسیله همه دست‌اندرکاران است.

برای واسطه‌های مالی نیز به طور کلی چهار کارکرد اقتصادی ذکر شده است:^۶

۱- وساطت در انطباق سررسیدها: در موارد بسیاری دارندگان وجوه حاضر نیستند وام بلند مدت بپردازند در حالی که متقاضیان وجوه به وام بلند مدت نیاز دارند. واسطه‌های مالی با اخذ وجوه از طریق سپرده‌پذیری یا از طرق دیگر و پرداخت آن به متقاضیان وام بلند مدت، دارایی‌های کوتاه مدت را به دارایی‌های بلند مدت تبدیل می‌کنند.

۲- کاهش خطر با ایجاد تنوع: پس‌انداز کننده اگر بخواهد پول خود را مستقیماً در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کند برای کاهش خطر باید اوراق متنوعی را بخرد. این کار علاوه بر این که به سرمایه زیادی نیاز دارد و سرمایه‌گذارانی که وجوه اندکی دارند، به سختی می‌توانند به این حد از تنوع دست یابند، برای هریک نیز هزینه در بردارد. واسطه‌های مالی، وجوه دریافت شده را در اوراق قرضه و سهام زیادی سرمایه‌گذاری کرده، و از این طریق به تنوعی مطلوب با هزینه‌های کم به منظور کاهش خطر، دست می‌یابند.

۳- کاهش هزینه‌ها: سرمایه‌گذارانی که دارایی مالی می‌خرند باید مدت زمانی بگذرد تا به جهات لازم برای راه و رسم ارزش‌یابی سرمایه‌گذاری دست یابند. علاوه بر هزینه فرصت زمانی که صرف پردازش اطلاعات درباره دارایی مالی و ناشر آن می‌شود، دست‌یابی به آن اطلاعات، انعقاد قرارداد و ... نیز هزینه دارد. واسطه‌های مالی، سرمایه‌گذاران حرفه‌ای را که کارشان تحلیل دارایی‌های مالی و اداره آن‌هاست، استخدام می‌کنند. استخدام این‌گونه افراد حرفه‌ای برای واسطه‌های مالی به صرفه است؛ زیرا سرمایه‌گذاری وجوه، کار اصلی آنان است. به سخن دیگر، عقد قرارداد و پردازش اطلاعات مربوط به دارایی‌های مالی، صرفه‌جویی‌های مقیاس دارد.

۴- ایجاد مکانیسم پرداخت: امروزه بیش‌تر معاملات نقدی نیست و پرداخت وجوه با استفاده از چک، کارت اعتباری، کارت بدهکاری و انتقال الکترونیکی صورت می‌پذیرد. زمانی این امور تنها به وسیله بانک‌های تجاری انجام می‌شد ولی امروزه دیگر نهادهای سپرده‌پذیر نیز می‌توانند از این ابزارها استفاده کنند. امکان پرداخت بدون استفاده از پول نقد، عاملی مهم در عملکرد بازار مالی است. نهادهای سپرده‌پذیر دارایی‌هایی را که قابل پرداخت نیستند به دارایی‌هایی تبدیل می‌کنند که این ویژگی را دارند.

بانک‌ها نیز به عنوان واسطه مالی سپرده‌پذیر، نقش‌ها و کارکردهای چهارگانه فوق را دارند.

سایر عملیات بانکی*

بانک‌ها علاوه بر این‌که به عنوان یک واسطه مالی در بازارهای مالی نقش ایفا می‌کنند، کارکردهای دیگری نیز دارند که عبارت‌اند از:

۱- مبادلات ارزی: مبادلات ارزی مبادله یک پول برحسب نرخ متداول به پول دیگر است که در بازار ارز (پول خارجی) صورت می‌پذیرد. بانک‌ها در این بازار به مبادله پول داخلی با پول‌های خارجی اقدام می‌کنند.

۲- عملیات سرمایه‌گذاری: برخی بانک‌ها از محل سرمایه و سپرده‌های ثابت و بلند مدت، به سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد می‌پردازند. این سرمایه‌گذاری گاه به صورت تأسیس بنگاه‌های اقتصادی و گاه به صورت خرید سهام است.

الف) تأسیس بنگاه‌های اقتصادی: بانک‌ها پس از بررسی و تحلیل هزینه و فایده، در صورتی که تأسیس مؤسسه‌ای را با سود مثبت ارزیابی کنند، آن را به صورت شرکت سهامی تأسیس می‌کنند؛ به نحوی که بخشی از سهام به وسیله بانک پرداخت می‌شود و شرکت رسماً به ثبت می‌رسد. در این روش مدیریت مؤسسه را بانک عهده‌دار می‌شود و در صورت لزوم می‌تواند برای تکمیل سرمایه خود بقیه سهام را در بازار بورس به فروش رساند.

ب) خرید سهام: در این حالت بانک مبتکر تأسیس بنگاه نیست بلکه با بنگاه‌های اقتصادی موجود، از طریق خرید سهام آن‌ها در بورس و یا از طریق افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی و تخصیص سهامی به بانک که در نتیجه افزایش سرمایه ایجاد شده است، مشارکت می‌کند.

نقش بهره در بازار مالی

واسطه‌های مالی در تجهیز و تخصیص منابع پولی خود بر اساس بهره عمل می‌کنند و

* با استفاده از: ایرج توتونچیان، اقتصاد پول و بانکداری (چاپ اول: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵) ص ۲۸۹-۲۹۹.

نرخ آن در بازارهای مالی و از برآیند عرضه و تقاضای وجوه به دست می آید. واسطه‌های مالی سپرده‌پذیر از جمله بانک‌ها با تعهد پرداخت بهره، انگیزه لازم را برای صاحبان وجوه ایجاد می‌کنند و از طرف دیگر به هدف دریافت بهره وجوه خود را وام داده یا در اوراق قرضه سرمایه‌گذاری می‌کنند. لذا اگر بهره حذف شود عملکرد بانک‌ها و به طور کلی واسطه‌های مالی در نظام سرمایه‌داری مختل می‌شود و قسمی از بازارهای مالی که آن را بازار بدهی^۷ می‌نامند، حذف می‌گردد.

ترسیم نظام اقتصادی اسلام

شکی نیست که بهره همان ربا و حرام است. بنابراین، بازارها و واسطه‌های مالی به شکلی که در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، نمی‌تواند در نظام اسلامی وجود داشته باشد. ولی این سؤال باقی است که سیستم جایگزین برای حرکت وجوه و منابع پولی به سمت سرمایه‌گذاری کدام است؟ طبیعی است همه صاحبان وجوه نمی‌توانند از وجوه خود در سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد استفاده کنند و به عکس، همه کسانی که توان مدیریت سرمایه‌گذاری را دارند وجوه لازم در اختیار ندارند. یک نظام اقتصادی، از هر نوع که باشد، باید برای تجهیز و تخصیص منابع پولی، سیستمی ارائه کند و اسلام برای این امر، سیستم خاص خود را ارائه کرده است.

برای اثبات این مدعا ابتدا نظام اقتصادی اسلام را ترسیم کرده، سپس چگونگی جریان درآمد بین شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهیم.

برای ترسیم نظام به فقه اقتصادی اسلام (احکام و حقوق اقتصادی) مراجعه می‌کنیم؛ چرا که احکام و حقوق اقتصادی در حقیقت بیان‌گر ضوابط و قوانین حاکم بر اجزای نظام اقتصادی مورد نظر اسلام است. اگر فقه اقتصادی اسلام با این نگرش مطالعه شود، نوع بازارها، اقسام شرکت‌کنندگان و چگونگی روابط بین آن‌ها به دست می‌آید و نظام اقتصادی اسلام با استفاده از الگوی چرخه درآمدی - نظیر آنچه در اقتصاد سرمایه‌داری گذشت - ترسیم می‌شود.

انواع عقود مالی اسلام

عقد مالی عقدی است که بین دو طرف در مورد استفاده یا انتقال ملکیت یک مال بسته می‌شود و مال هر چیزی است که در بازار ارزش معامله‌ای دارد. برخی از عقود مالی

معروف عبارت‌اند از: خرید و فروش، اجاره، مضاربه، مزارعه، مساقات، شرکت، جُعاله، صلح، قرض، عاریه، صدقه و وقف.

ماهیت و کاربرد هر یک از این عقود بدین قرار است:

۱- **خرید و فروش:** عقدی است که به موجب آن، مورد معامله در مقابل عوض، از فروشنده به خریدار منتقل می‌شود. چیزی که فروخته می‌شود می‌تواند کالای مصرفی یا سرمایه‌ای باشد.

۲- **اجاره:** عقدی است که موجب تملیک منفعت اشیا چون خانه، زمین، ماشین در مقابل عوض می‌شود و اگر انسان خودش را برای کاری اجاره دهد، موجب تملیک عمل‌اش به دیگری در مقابل اجرت می‌شود.^۸ در صورت اول هر چیزی که دارای منفعت حلال و مورد اعتنای عقلا باشد و با بقای عین، امکان انتفاع از آن ممکن باشد می‌تواند موضوع اجاره باشد؛ مثلاً پول را نمی‌توان اجاره داد.^۹ در صورت دوم نیز هر عمل حلالی که برای مردم مفید باشد، اجرت گرفتن در مقابل آن جایز است.^{۱۰}

۳- **مضاربه:** عقدی است که بین دو شخص واقع می‌شود؛ بر این اساس که سرمایه تجارت از یکی و عمل از دیگری باشد و اگر سودی حاصل شد بین آن دو تقسیم گردد.^{۱۱}

۴- **مزارعه:** معامله‌ای است بر این اساس که زمین در مقابل سهمی از حاصل آن، کاشته شود.^{۱۲}

۵- **مساقات:** معامله‌ای است که بر درختان ریشه‌دار ثابت انجام می‌گیرد؛ به این صورت که عامل این درختان را در مقابل سهمی از میوه‌های آن، آب دهد.^{۱۳}

وجه مشترک سه عقد اخیر این است که در هر سه صاحبان نیروی کار با صاحبان سرمایه (نقدی و غیرنقدی) در سود فعالیت اقتصادی مشارکت می‌نمایند. با این تفاوت که عقد مضاربه تنها در تجارت و عقد مزارعه و مساقات تنها در کشاورزی کاربرد دارد.

۶- **شرکت:** عقدی است که بین دو یا چند نفر بر معامله و کسب با مال مشترک بسته می‌شود و نتیجه آن جواز تصرف شرکا در مال مشترک است. شرکا می‌توانند با آن مال به فعالیت اقتصادی بپردازند و در صورتی که در مورد سود و زیان شرطی نشده باشد، سود و زیان به نسبت سرمایه هر یک، بین آن‌ها تقسیم می‌شود.^{۱۴} عقد شرکت در امور صنعتی، کشاورزی و خدماتی و تجاری کاربرد دارد و سرمایه می‌تواند نقدی یا غیرنقدی باشد.^{۱۵}

۷- **جعلاله:** جعلاله التزام به پرداخت عوض معلوم در مقابل عمل مباح و معقول است.^{۱۶} این عقد در همه بخش‌های اقتصادی کاربرد دارد و از آن جا که جُعَل می‌تواند اجرت ثابت یا سهمی از سود باشد، می‌توان مفاد عقود مضاربه، مساقات، مزارعه و اجاره را به جعلاله انشا کرد، در نتیجه از این عقد می‌توان به نحو مطلوبی در اجاره عوامل و نیروی کار خدماتی و مشارکت کار و سرمایه، استفاده کرد.

۸- **صلح:** تراضی و توافق بر تملیک عین یا منفعت و اسقاط دین یا حق و مانند آن را صلح می‌نامند. صلح در هر موردی (به غیر از موارد استثنا شده مانند حقوق غیر قابل انتقال) و در هر مقامی صحیح است، مگر آن که موجب تحریم حلال یا تحلیل حرام گردد.^{۱۷} عقد صلح، عام‌ترین عقدی است که در همه بخش‌های اقتصادی کاربرد دارد و مفاد همه عقود دیگر را می‌توان به صلح انشا کرد.

۹- **قرض:** تملیک مال همراه با ضمان را قرض گویند؛ یعنی قرض‌گیرنده برگرداندن همان مال یا مثل یا قیمت‌اش را بر عهده می‌گیرد.^{۱۸} شرط زیاده در قرض جایز نیست.^{۱۹} از احکام قرض استفاده می‌شود که قرض‌دهنده کسی است که با مازاد درآمد روبه‌رو است و تمایل دارد بدون انگیزه سود، منافع مالش را ایثار نماید و قرض‌گیرنده کسی است که اولاً به پول، سرمایه غیرنقدی یا کالا جهت مصرف یا سرمایه‌گذاری نیازمند است و ثانیاً قدرت پرداخت قرض خود را در آینده دارد.

۱۰- **عاریه:** عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض چیزی هم از او نگیرد.^{۲۰} عاریه تنها در سرمایه غیرنقدی متصور است؛ زیرا انتفاع از مال عاریه داده شده نباید موجب از بین رفتن آن شود و کالای مصرفی و پول این ویژگی را ندارند. بنابراین عاریه موجب انتقال منافع سرمایه غیرنقدی از عاریه‌دهنده به عاریه‌گیرنده می‌شود.

۱۱- **صدقه:** صدقه بخشش مال به دیگری به قصد قربت^{۲۱} را گویند و مال می‌تواند پول نقد، کالای مصرفی، سرمایه‌ای یا منافع شیء یا عمل نیروی کار باشد. در تمام این موارد، اگر مالک مال خود را به قصد قربت و بدون عوض بدهد، صدقه تحقق می‌یابد. از احکام صدقه برمی‌آید که صدقه‌گیرنده باید اولاً نیازمند باشد و ثانیاً قدرت بازپرداخت آن چه را که می‌گیرد در آینده نداشته باشد. صدقه، قرض و عاریه در موارد نیاز مصرفی و

سرمایه‌گذاری می‌توانند به کار روند.

۱۲-وقف: حبس نمودن شیء و قرار دادن منافع آن برای شخص، اشخاص، عناوین یا جهات^{۲۲} را وقف گویند و تنها در منافع و دیون و چیزهای غیرقابل تملک صحیح نیست. بنابراین زمین، خانه، مزرعه، ماشین، کتب و درختان قابل وقف‌اند. وقف از نظر موقوف علیهم بر سه قسم است:^{۲۳}

الف) وقف در جهت مصالح عامه مانند مساجد، مقبره‌ها، پل‌ها، جاده‌ها، سدها و بیمارستان‌ها

ب) وقف برای عناوین کلی مانند فقرا جنگ‌زدگان، معلولین

ج) وقف برای افراد خاص مثل وقف برای فرزندان خود یا دیگری

اگر مالی را وقف فی سبیل الله کنند می‌توان منافع آن را در هر موردی که ثواب دارد مصرف کرد.^{۲۴}

بنابراین وقف، هم در رفع فقر از جامعه و هم در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی می‌تواند مفید باشد.

بازارها در نظام اقتصادی اسلام

با تحلیل عقود گذشته درمی‌یابیم که در اقتصاد اسلامی پنج بازار به شرح زیر وجود دارد:

۱-بازار اجاره عوامل: در این بازار نیروی کار و سرمایه فیزیکی اجاره داده می‌شود و اجرت ثابت دریافت می‌گردد و چون اجاره پول ربا محسوب می‌شود صاحبان پول نمی‌توانند از این بازار استفاده کنند.

۲-بازار مشارکت عوامل: در این بازار نیروی کار و سرمایه فیزیکی به وسیله یکی از عقود مضاربه، مزارعه، مساقات، جماله و شرکت به استخدام درآمد و پاداش خود را به صورت سهمی از سود دریافت می‌کند.

۳-بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی: در این بازار صاحبان سرمایه نقدی پول خود را از طریق عقود مانند مضاربه، جماله و شرکت در فعالیت اقتصادی وارد کرده و پاداش خود را به صورت سهمی از سود دریافت می‌کنند.

۴-بازار کالاها و خدمات: در این بازار، کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای خرید و فروش

می‌شود و خدمات مصرفی اجاره می‌گردد. می‌توان گفت این بازار به سه زیر بازار تقسیم می‌شود؛ بازار کالاهای مصرفی، بازار کالاهای سرمایه‌ای و بازار خدمات مصرفی.

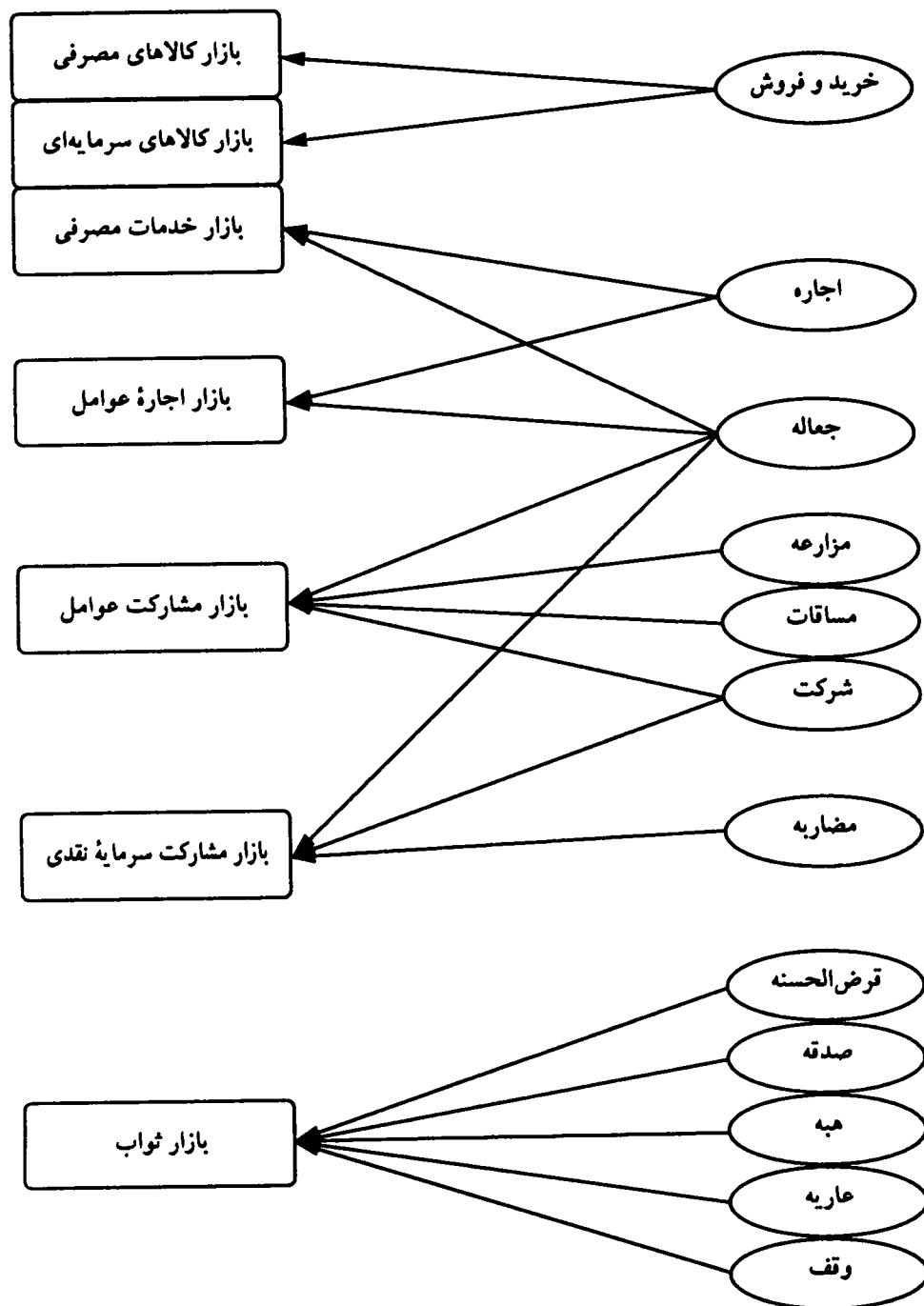
۵- بازار ثواب یا انفاق در راه خدا: رابطه انفاق در راه خدا، رابطه‌ای است که از طریق عقود چون قرض الحسنه، صدقه، عاریه، هبه و وقف برقرار می‌گردد. در غالب موارد، یک طرف این رابطه بی‌نیازان و طرف دیگر آن نیازمندان‌اند. این رابطه به انگیزه سود برقرار نمی‌شود بلکه به انگیزه ایثار و ثواب اخروی و انجام تکلیف شکل می‌گیرد.*

عوامل متعددی چون احساسات و عواطف انسانی، ایمان به خداوند و تقوای الهی، سطح درآمد و شدت فقر در جامعه، در انفاق مردم مؤثرند.

نمودار ۲ ساختار حقوقی پنج بازار فوق را نمایش می‌دهد.

* از آن جا که در این بازار مال یا منافع ایثار شده در مقابل ثواب خریداری می‌گردد، با قدری مسامحه و جهت هماهنگی نام بازار را انتخاب کردیم.

نمودار ۲: ساختار حقوقی بازارها در نظام اقتصادی اسلام



شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی

شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی را اقتصاددانان به دو گروه تقسیم می‌کنند:

۱- خانوارها یا صاحبان عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه نقدی و فیزیکی)

۲- بنگاه‌ها یا مؤسساتی که شخصیت حقوقی دارند و عهده‌دار امر تولیدند

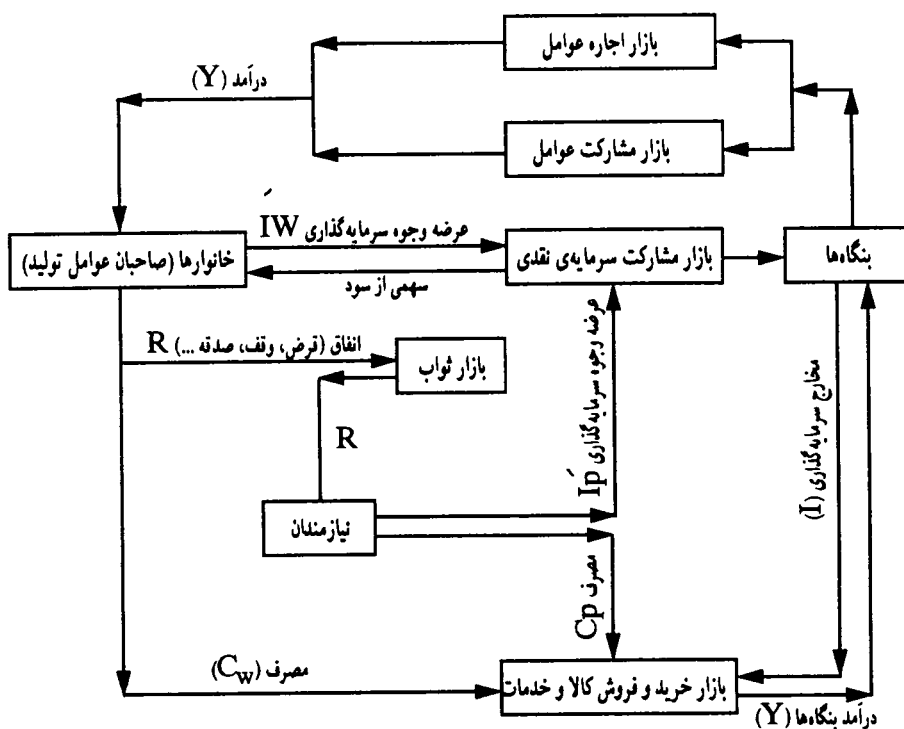
به اعتقاد ما گروه نیازمندان را نیز باید به این دو گروه اضافه کرد و آن‌ها کسانی هستند که نمی‌توانند مخارج خود را تأمین کنند، مانند سالخوردگان، کودکان بی‌سرپرست و معلولین که از فعالیت عاجزند و یا درآمد آن‌ها کفایت خرج‌شان را نمی‌نماید.

در اقتصاد کلان، نیازمندان به عنوان یک گروه مستقل دیده نمی‌شوند. شاید دلیل آن این باشد که انتقال درآمد از ثروتمندان به نیازمندان، تأثیر مهمی بر چرخه درآمدی ندارد؛ زیرا درآمدی که به نیازمندان منتقل می‌شود، بالإخره مصرف یا سرمایه‌گذاری می‌گردد. در نتیجه انتقال وجوه در درون خانوارها صورت گرفته و برآیند آن در چرخه درآمدی ملاحظه می‌شود. به نظر ما این توجیه کافی نیست و مسئله به مبانی و اهداف نظام سرمایه‌داری باز می‌گردد. مهم‌ترین هدف در نظام سرمایه‌داری رشد تولید است و عدالت اقتصادی برای این نظام اهمیتی ندارد،^{۲۵} در حالی که در نظام اقتصادی اسلام، عدالت اقتصادی مهم‌ترین هدف است.^{۲۶} طبیعی است که در این نظام راه‌های تحقق عدالت اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از این رو در چرخه اقتصادی گروه نیازمندان، گروهی مستقل ملاحظه شده، روابط صاحبان عوامل تولید و نیازمندان از شریعت اسلام استخراج می‌گردد.

چرخه درآمدی در نظام اقتصادی اسلام

اکنون می‌توانیم چگونگی ارتباط گروه‌های مردم را از طریق بازارهای پیش‌گفته، در ضمن یک الگوی چرخه درآمدی نشان دهیم. در این الگو برای سادگی، چنین فرض می‌کنیم که دولت وجود ندارد و اقتصاد بسته عمل می‌کند و چون می‌خواهیم جریان پولی را نشان دهیم مواردی که در آن کالا به صورت قرض، صدقه، وقف و عاریه داده می‌شود، در نظر نمی‌گیریم (نمودار ۳).

نمودار ۳: چرخه درآمدی در نظام اقتصادی اسلام با فرض عدم دولت



چرخه درآمدی در حقیقت نشان‌دهنده آن است که چگونه بازارها (الگوهای روابط)، گروه‌های مردم و اموال را به یکدیگر پیوند می‌دهند. اگر مطالب پیش‌گفته را با نگرش سیستمی مورد تحلیل عقلی قرار دهیم، چرخه درآمدی نظام اقتصادی اسلام را به صورت نمودار فوق می‌توانیم استخراج کنیم. طبق نمودار، خانوارها (صاحبان عوامل تولید)، کار و سرمایه خود را در بازار اجاره و مشارکت عوامل عرضه کرده، پاداش خود را به صورت دستمزد، اجرت ثابت یا سهمی از سود دریافت می‌کنند. درآمد حاصل به سه بخش تقسیم می‌شود؛ بخشی از آن در بازار مشارکت سرمایه نقدی عرضه می‌شود، (I_w) بخشی دیگر از طریق بازار ثواب به نیازمندان منتقل می‌شود (R) و بخش سوم مصرف می‌گردد (C_w) . نیازمندان نیز پولی را که از طریق بازار ثواب دریافت کرده‌اند مصرف نموده (C_p) یا جهت مشارکت در سرمایه‌گذاری در بازار مشارکت عرضه می‌کنند (I_p) . بنگاه‌ها نیز با تقاضای عوامل در بازارهای اجاره، مشارکت عوامل و مشارکت

سرمایه نقدی به امر تولید پرداخته، کالاهای تولیدی خود را در بازار کالا و خدمات مصرفی عرضه می‌کنند. مجموع مخارج خانوارها و نیازمندان که برابر درآمد خانوارهاست، از طریق بازار کالا و خدمات مصرفی به بنگاه‌ها منتقل شده و بنگاه‌ها درآمد به‌دست آورده را از طریق بازار عوامل به خانوارها منتقل می‌کنند.

کارایی بازار مشارکت سرمایه نقدی

در این نظام، بازار مشارکت سرمایه نقدی تجهیز و تخصیص منابع پولی را به‌عهده دارد. صاحبان سرمایه نقدی، پول خود را از طریق عقود مشارکت با صاحبان سرمایه غیرنقدی و صاحبان نیروی کار، در جریان تولید وارد می‌کنند که هر چه تجهیز و تخصیص منابع پولی فراگیر، سهل، کم‌خطر، و کم‌هزینه باشد کارایی این بازار بیش‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، برای کارایی باید:

۱- هزینه دستیابی به اطلاعات در مورد طرف‌های مشارکت، نوع سرمایه‌گذاری و سهم سود هر یک از طرف‌ها حداقل شود.

۲- انعقاد قرارداد بین طرف‌های مشارکت از نظر حقوقی ابهامی نداشته و هزینه آن حداقل شود.

۳- خطرهای ناشی از ریسک فعالیت‌های اقتصادی و احتمال نکول طرفین قرارداد به حداقل برسد.

۴- بسیاری از صاحبان سرمایه نقدی، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت را ترجیح می‌دهند، در حالی که سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت مهم‌ترند. در بازار مشارکت باید سیستمی طراحی گردد که بتواند سرمایه‌های نقدی را در سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت به کارگیرد و در نتیجه بازار کارا تر عمل کند.

۵- ممکن است برخی از صاحبان سرمایه نقدی که از طریق بازار مشارکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند، قبل از پایان مدت قرارداد به پول نیاز پیدا کنند. باید در نهاد مشارکت سیستمی وجود داشته باشد که بدون انحلال عقد مشارکت (و با انتقال آن به فرد دیگر) امکان دستیابی این افراد به پول را فراهم نماید.

بازار اوراق مشارکت و سهام

برای افزایش کارایی بازار مشارکت، تأسیس بازاری که در آن اوراق مشارکت و سهام

خرید و فروش شود ضروری است. این بازار در حقیقت جانشین بازار مالی در نظام سرمایه‌داری است و می‌تواند تمام کارکردهایی را که برای بازار مالی و اوراق بهادار در آن نظام گفتیم، داشته باشد. در حال حاضر بازار بورس سهام در کشور ما تا حدودی فعال است ولی بازار اوراق مشارکت هنوز جایگاه خود را نیافته است.

اگر چنین بازارهای متنوع و فعالی وجود داشت، بانک‌های اسلامی می‌توانستند از صاحبان سرمایه نقدی پول را وکالتاً گرفته و به وسیله خرید اوراق مشارکت و سهام، آن را در اختیار صاحب کاران اقتصادی قرار دهند و سود اوراق مزبور را پس از کسر حق الوکاله به سپرده‌گذاران دهند، در این صورت نیازی به عقود بانکی جهت تخصیص منابع بانک نبود بلکه بانک‌ها با خرید اوراق مشارکت و سهام، منابع مالی در اختیار را در فعالیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کردند.

جایگاه بانک‌ها در نظام اقتصادی اسلام

با توجه به آنچه گذشت، رسالت اصلی بانک‌ها تجهیز و تخصیص منابع پولی است و در نظام اقتصادی اسلام می‌توانند عملیات زیر را انجام دهند:

- ۱- ارائه خدمات بانکی
- ۲- انجام مبادلات ارزی
- ۳- سرمایه‌گذاری مستقیم
- ۴- ایفای نقش واسطه در بازار ثواب
- ۵- ایفای نقش واسطه در بازار مشارکت سرمایه نقدی

از موارد فوق تنها مورد چهارم و پنجم نیاز به بحث دارد که در ادامه به این دو می‌پردازیم.

بانک‌ها به عنوان واسطه در بازار ثواب

بعضی از کسانی که قصد ایثار دارند وجوه خود را از طریق بازار ثواب، به شکل قرض‌الحسنه به نیازمندان می‌دهند. بانک‌ها می‌توانند در این بازار به صورت واسطه عمل کنند؛ به این ترتیب که پول را از صاحبان وجوه وکالتاً اخذ کرده، به نیازمندان قرض دهند و کارمزدی برای این کار دریافت نمایند. در این صورت بانک‌ها واسطه انتقال وجوه می‌باشند. در حال حاضر بانک‌ها بخش مهمی از سپرده‌های قرض‌الحسنه را از طریق

عقود بانکی یا مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری می‌کنند که این با فلسفه وجودی این سپرده‌ها ناسازگار است؛ چون هدف از تشریح قرض‌الحسنه اعتلای معنوی قرض‌دهنده و رفع نیاز نیازمندان جامعه است و این دو در صورتی تحقق می‌یابند که کل سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه به نیازمندان قرض داده شود. منشأ این انحراف آن است که طبق قانون، بانک‌ها مالک سپرده‌های قرض‌الحسنه شمرده شده‌اند.^{۲۷}

بانک‌ها به‌عنوان واسطه در بازار مشارکت سرمایه نقدی

اگر بازار اوراق مشارکت و سهام به صورت فعال و کارا عمل می‌کرد، بانک‌ها می‌توانستند نقش واسطه را بازی کنند؛ به این صورت که وجوه را از صاحبان سرمایه نقدی به وکالت دریافت کرده، اوراق مشارکت و سهام خریداری کنند سپس بخشی از سود به دست آمده را به عنوان حق‌الوکاله برداشته مابقی را بین صاحبان وجوه تقسیم نمایند. راه دیگر این است که بانک‌ها اوراق مشارکت یا سهام منتشره را یک‌جا خریداری نمایند، سپس به صاحبان سرمایه نقدی بفروشند و از مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش، سود حاصل نمایند.

در این صورت، به راحتی سرمایه‌های خرد و کلان در طریق تأمین سرمایه پروژه‌های کوچک و بزرگ به کار گرفته می‌شود و مشکلاتی که در حال حاضر بانک‌ها به واسطه تعدد عقود بانکی و مقررات دست و پاگیر با آن مواجه‌اند، برطرف می‌گردد. حال که چنین بازارفراگیری وجود ندارد بانک‌ها می‌توانند به سه صورت نقش واسطه را در بازار مشارکت سرمایه نقدی ایفا نمایند:

۱- از صاحبان سرمایه نقدی وکالت بگیرند که سرمایه‌های آن‌ها را به صورت مشاع در فعالیت‌های مختلف از طریق عقود مشارکتی (مضاربه، مزارعه، مساقات، شرکت، جعاله و صلح) یا به صورت مستقیم سرمایه‌گذاری نموده و با داشتن حق مصالحه منافع بین بانک و صاحبان وجوه، حق‌الوکاله خود را کسر و مابقی منافع را بین صاحبان وجوه به تناسب مبلغ و مدت تقسیم نماید.

در حال حاضر بانک‌ها چنین عمل می‌کنند، با این تفاوت که تخصیص منابع بر اساس عقود بانکی مصوب در قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد و منحصر به عقود

مشارکتی نیست.

۲- بانک به عنوان عامل با صاحبان سرمایه نقدی از طریق یکی از عقود مشارکتی قرارداد ببندد که سرمایه‌های آنان را در فعالیت‌های اقتصادی به صورت مشاع به کار برده و سود به دست آمده بین بانک و آن‌ها بر حسب توافق تقسیم شود. در ضمن عقد این اجازه را نیز بگیرد که خودش مستقیماً این وجوه را سرمایه‌گذاری کند یا به عاملین دیگر واگذار نماید. سپس با متقاضیان وجوه از طریق یکی از عقود مشارکتی، قرارداد ثانوی منعقد نماید. مابه‌التفاوت سود قرارداد اول و دوم، سودی است که بانک به دست می‌آورد.

۳- بانک‌ها می‌توانند به عنوان شرکت سهامی، سهام منتشر کرده و به فروش رسانند و از این طریق وجوه را جذب نمایند، سپس این وجوه را از طریق عقود مشارکتی یا مستقیماً در فعالیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند و سود به دست آمده بین صاحبان سهام تقسیم شود.

کارامدی عقود مشارکتی

در هر جامعه متقاضیان وجوه جهت سرمایه‌گذاری دو دسته‌اند:

۱- کسانی که بخشی از سرمایه لازم برای فعالیت اقتصادی را داشته به دنبال شریک‌اند.

۲- کسانی که سرمایه لازم برای فعالیت اقتصادی نداشته، متقاضی تأمین تمام سرمایه مورد نیاز هستند.

عقد شرکت، نیاز گروه اول را در همه عرصه‌های اقتصادی (تولیدی، تجاری و خدماتی) پاسخگو است و برای تأمین نیاز گروه دوم، عقد مضاربه در تجارت و عقد مزارعه و مساقات در کشاورزی تا حدودی کافی هستند؛ ولی در زمینه صنعت و خدمات، عقد مشارکتی خاصی وجود ندارد.

شاید همین مشکل باعث شده است قانون‌گذار در قانون عملیات بانکی بدون ربا به ناچار به عقود چون اجاره به شرط تملیک و سلف، تمسک نماید در نتیجه، مشکل تعدد عقود، شبهه ربا و عدم کارایی بانک‌ها پیش آید.^{۲۸} از این‌ها گذشته، وجود این عقود موجب می‌شود بانک‌ها نقشی فراتر از یک واسطه را در بازار مشارکت ایفا کرده و به نوعی عملیات آن‌ها به بازار عوامل و بازار کالا نیز کشیده شود و بر اساس آن چه گذشت این با جایگاه

بانک‌ها در نظام اقتصادی اسلام منافات دارد.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که عقد شرکت نیاز گروه اول را در همه عرصه‌های اقتصادی تأمین می‌کند، عقد جعاله نیز نیاز گروه دوم را به بهترین وجه در همه عرصه‌های اقتصادی تأمین می‌نماید و علاوه بر آن، شروط دست و پاگیر مضاربه و مساقات و مزارعه را ندارد. هم‌چنین عقد صلح می‌تواند جایگزین هر دو عقد شرکت و جعاله شده، نیاز هر دو گروه را برآورده نماید.

بر این اساس در تخصیص منابع بانک‌ها می‌توان از الگوهای زیر استفاده کرد:

الگوی اول: عقد شرکت و جعاله

بانک می‌تواند به وسیله عقد شرکت (مدنی و حقوقی) تقاضای گروه اول را در همه بخش‌های اقتصادی پاسخ دهد و با متقاضیان، به نسبت سهم سرمایه‌اش در سود حاصله شریک شود و به وسیله عقد جعاله، جواب‌گوی تقاضای گروه دوم باشد؛ به این ترتیب که در همه بخش‌های اقتصادی بانک به عنوان جاعل، سرمایه لازم را تأمین نماید و با عامل بر حسب توافق در سود شریک شود. در حال حاضر در قانون عملیات بانکی بدن ربا عقد شرکت با همان خصوصیتی که در این طرح مورد نظر است وجود دارد ولی عقد جعاله پیش‌بینی شده بسیار محدود است، در حالی که عقد جعاله مانند عقد شرکت می‌تواند کاربرد وسیعی داشته باشد.^{۲۹} در نتیجه عقد جعاله می‌تواند جانشین همه عقود مشارکتی غیر از عقد شرکت شود و اعطای تسهیلات بانکی تنها به وسیله دو عقد شرکت و جعاله انجام گیرد. بدین ترتیب مشکلات مربوط به تعدد و محدودیت‌های عقود، از این راه حل می‌شود.

الگوی دوم: عقد صلح

در این الگو عقد صلح جانشین دو عقد شرکت و جعاله در الگوی اول می‌شود. با عقد صلح می‌توان مفاد این دو عقد را در همه بخش‌های اقتصادی انشا کرد، علاوه بر این که شرایط خاص شرکت و جعاله نیز لازم و ضروری نیست.^{۳۰}

به عبارت دیگر، بانک می‌تواند مفاد شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را به عقد صلح انشا کند و سهم شریک یا عامل را درصدی از سود تعیین نماید. هم‌چنین بانک می‌تواند به عنوان صاحب سرمایه نقدی، در بخش خدمات و صنعت با عامل چنین صلح کند که بانک سرمایه فعالیت مزبور را تأمین نماید و سود به دست آمده بر حسب توافق بین بانک

و عامل تقسیم شود. بنابر این تمام عملیات بانکی بدون ربا در همه بخش‌های تولیدی، تجاری و خدماتی می‌تواند با عقد صلح به شکل مشارکت در سود تحقق یابد.

مقایسه دو الگو

به نظر می‌رسد الگوی دوم به دلایل زیر بر الگوی اول ترجیح دارد:

- ۱- از آن جا که در الگوی اول از دو عقد شرکت و جعاله و در الگوی دوم تنها از عقد صلح استفاده شده، الگوی دوم از نظر قوانین بانکی سهل‌تر خواهد بود.
- ۲- در الگوی اول شرایط خاص هر یک از دو عقد شرکت و جعاله باید رعایت شود، در حالی که در الگوی دوم حتی اگر مفاد آن دو عقد به وسیله صلح انشا شود، آن شرایط لازم نیست و عقد صلح تنها مشروط به شروط عام عقود و شروطی که متصالحین توافق می‌نمایند می‌باشد؛ لذا الگوی دوم از محدودیت‌های کم‌تری برخوردار است.
- ۳- عقد شرکت و جعاله از عقود جایز هستند^{۳۱} و شریک بانک و یا عامل می‌تواند در صورت صلاحدید عقد را فسخ نماید. این مسئله بانک را با مشکل مواجه می‌نماید و بانک مجبور می‌شود در عقد لازم دیگری عدم فسخ را شرط کند و این بر پیچیدگی عملیات می‌افزاید؛ ولی عقد صلح خود از عقود لازم است.^{۳۲}

پاسخ یک اشکال

بر اساس آنچه گذشت جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام محدود به بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی است. دو الگوی پیش‌گفته نیز در حقیقت دو الگوی حقوقی برای عملکرد بانک‌ها در این بازار است. لیکن در جامعه دو گروه دیگر از متقاضیان پول وجود دارند که عقود مشارکت و الگوهای پیش‌گفته پاسخ‌گوی آن‌ها نیست. یک گروه خانوارهایی هستند که برای تأمین نیازهای مصرفی همچون تهیهٔ جهیزیه، خرید کالاهای مصرفی بادوام مانند فرش، تلویزیون، یخچال و تأمین هزینهٔ سفرهای زیارتی و سیاحتی، به پول نیازمندند. گروه دوم مؤسسات تولیدی می‌باشند که برای خرید تجهیزات یا نیازهای ضروری و مقطعی به وام‌های کوچک یا کوتاه مدت نیاز دارند. برای نمونه، بنگاهی را تصور کنید که برای پرداخت دستمزد یا عیدی به کارمندان خود نیاز به وام کوتاه مدت (سه‌ماهه) دارد. یا کشاورزی را در نظر بگیرید که برای خرید تراکتور نیاز به وام دارد. این‌گونه نیازها را نمی‌توان از طریق عقود مشارکتی پاسخ داد و فلسفهٔ وجود عقود

غیرمشارکتی تأمین این‌گونه نیازها است.

به نظر می‌رسد نیازهای مزبور را نباید به عهده بانک‌های اسلامی گذاشت؛ زیرا بخشی از این نیازها در بازار ثواب از طریق قرض الحسنه و برخی دیگر در بازار کالا و خدمات از طریق خرید و فروش نسبه و سلف تأمین می‌شود. علت آن که امروزه در بازارهای کالاها و خدمات، خرید و فروش نسبه و سلف رواج چندانی ندارد این است که بانک‌ها از محدوده بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی پرافراتر نهاده و به این‌گونه نیازها که باید در بازارهای دیگر و به روش دیگری پاسخ داده شود، پاسخ می‌دهند. اگر بانک‌ها از تأمین این نیازها خودداری کنند به صورت طبیعی با رواج خرید و فروش نسبه و سلف در بازار کالاها و خدمات، نیازهای مزبور تأمین می‌شوند.

پیشنهاد‌های اصلاحی

بر اساس آنچه گذشت برای اصلاح جایگاه و عملکرد بانک‌ها اصلاحات زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- بانک‌های اسلامی تنها در محدوده بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی فعالیت کنند.
- ۲- قانون بانکداری اسلامی براساس عقود مشارکت، مجدداً تدوین گردد.
- ۳- سازمان و تشکیلات بانک برای آن‌که بتواند قانون بانکداری اسلامی را به صورت واقعی تحقق بخشد، متناسب با نقشی که در بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی، ایفا می‌کند مجدداً تعریف شود و از جهت پرسنل نیز کسانی استخدام شوند که قدرت درک و عمل به قانون مزبور را داشته باشند و بتوانند روح قانون مزبور یعنی مشارکت در سود و زیان واقعی را در عمل حفظ کنند.

خاتمه

این نکته را نباید فراموش کرد که هر طرحی برای بانکداری بدون ربا، سازمان متناسب با خود را می‌طلبد. اگر تشکیلاتی عهده‌دار پیاده کردن طرح بانکداری غیرربوی شود که ساختار آن بر اساس بانکداری ربوی تعریف شده باشد، مسلماً موفق نخواهد بود و نتیجه جمع ساختار ربوی، و قانون غیرربوی چیزی جز اجرای صوری قانون نیست و در عمل قانون غیر ربوی به پوششی برای عملیات ربوی تبدیل خواهد شد. طرحی هم که در این مقاله ارائه شد، از این قاعده مستثنا نیست.

۱. در این مقاله نظام اقتصادی به الگوهای رفتاری تثبیت شده (نهادینه شده) که شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی را به یکدیگر پیوند می‌دهند، اطلاق می‌شود؛ برای مثال، رفتار خرید و فروش، اجاره، قرض و مالیات، شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی خانوارها، بنگاه‌ها و دولت را به هم پیوند می‌دهد. این‌که چه رفتارهایی، چگونه مردم را به یکدیگر و به دولت پیوند می‌زند به مبانی فلسفی و ایدئولوژیک نظام و اهدافی بستگی دارد که برای نظام اقتصادی در نظر گرفته شده است. در این اصطلاح، بازار کالا شکل نهادینه شده رفتار خرید و فروش کالا است و بازار کار، شکل نهادینه شده رفتار اجاره نیروی کار است. تعریف فوق با تعدیلاتی از کتاب زیر استفاده شده است:
ECONOMIC SYSTEMS ANALYSIS AND COMPARISON, VACLAV HOLESOVSKY, MC. GRAW - HILL INC, 1977, P14 -36
۲. فرانک فیوزی؛ فرانکو مودیلیانی و مایکل فری، مبانی بازارها و نهادهای مالی، ترجمه حسین عبده تبریزی (چاپ اول: نشر آگه، ۱۳۷۶) ج ۱، ص ۱۷. مطالبی که از این پس در مورد بازارهای مالی می‌آید از کتاب فوق استفاده شده است.
۳. همان، ص ۲۲.
۴. برخی تنها توزیع خطر را ذکر کرده‌اند ولی ظاهراً در مورد اوراق قرضه، خطر مزبور از صاحبان وجوه به متقاضیان انتقال می‌یابد و تنها در مورد اوراق سهام است که توزیع خطر صورت می‌پذیرد (همان).
۵. همان، ص ۲۴.
۶. همان، ص ۴۶ - ۵۰.
۷. فرانک فیوزی؛ فرانکو مودیلیانی و مایکل فری، همان، ص ۲۵.
۸. امام خمینی، تحریرالوسیله (چاپ دوم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم) ج ۱، ص ۵۷۰.
۹. استفتائات امام خمینی (چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲) ج ۲، ص ۲۱۰، سؤال ۳۷.
۱۰. محمدکاظم طباطبائی، عروةالوثقی، ج ۲، ص ۶۲۳.
۱۱. امام خمینی، همان، ص ۶۰۹.
۱۲. همان، ص ۶۳۵.
۱۳. همان، ص ۶۴۲.
۱۴. این تعریف مربوط به شرکت عنان است که در فقه اسلامی مجاز شمرده شده است.
۱۵. امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۶۲۳، مسئله ۳، ص ۶۲۵ مسئله ۷ و ص ۶۲۶، مسئله ۱۰ و ۱۲.
۱۶. همان، ج ۱، ص ۶۴۴ مسئله ۸.
۱۷. همان، ج ۱، ص ۵۶۱.

۱۸. همان، ج ۱ ص ۶۱۵.
۱۹. همان، ص ۵۶۳، مسئله ۹.
۲۰. امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۵۲.
۲۱. همو، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۹۰.
۲۲. همان، ص ۶۲.
۲۳. همان، ص ۷۰، مسئله ۳۴.
۲۴. همان، ص ۷۲، مسئله ۴۴.
۲۵. ر.ک: سیدحسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، انگیزه‌ها و اهداف، ص ۴۷ - ۶۲.
۲۶. ر.ک: همان، ص ۱۰۲ - ۱۴۷.
۲۷. ایرج توتونچیان، همان، ص ۴۹۴ و ۴۹۵.
۲۸. ر.ک: سیدحسین مهدوی، «بانکداری اسلامی نمونه»، سلسله مقالاتی پیرامون بانکداری اسلامی - ۲ (اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)، ص ۱ - ۲۴ و سیدعباس موسویان، «عقود و با بازدهی ثابت، عامل اصلی مشکلات بانکداری بدون ربا»، مجموعه سخنرانیها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی (مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) ص ۲۰۱ - ۲۳۱.
۲۹. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الجعاله، مسئله ۵.
۳۰. امام خمینی، همان، کتاب الصلح، ص ۵۶۱.
۳۱. قانون مدنی ماده ۵۶۵ و ۵۸۶ - و امام خمینی، همان، تحریر الوسیله ج ۱، کتاب الجعاله، مسئله ۱۵ و کتاب الشركة، مسئله ۱۲.
۳۲. قانون مدنی ماده ۷۶۰ - و امام خمینی، همان، کتاب الصلح، مسئله ۴.